



د افغانستان د اقتصادي او حقوقي مطالعاتو موسسه  
موسسه مطالعات اقتصادي و حقوقي افغانستان  
Afghanistan Economic & Legal Studies Organization

## آزادی بیان؛ سفر بیست ساله توام با دست آوردها و چالش‌ها

نویسنده: محمد حنیف فرزانه؛ استاد دانشگاه

**مقدمه:**

آزادی بیان از شاخصه‌های عمده‌ای نظام دموکراسی محسوب می‌شود که انسان در پرتو آن می‌تواند اندیشه‌ها، خواسته‌ها، توقعات، پیشنهادات و انتقادات خود را به صورت بهتر ابراز کند. آزادی بیان، یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندی هر انسان است، که با دیگر آزادی‌های مهم شهروندی، دست به دست هم می‌دهند و شهروند را خلق می‌کند و افراد را از شر «رعیت بودن» و «تبعه بودن» نجات می‌دهد. یکی از دغدغه‌های اساسی بشریت در سراسر تاریخ، در کنار مفهوم آزادی؛ آزادی بیان بوده است که حتی در قرن حاضر و عصر پیشرفت در تمامی زمینه‌ها، بازهم یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها به حساب می‌آید. آزادی بیان سنگ بنای اصول مردم سالاری و حقوق بشر است. آزادی بیان، از بارزترین جلوه‌های آزادی انسان است. طبیعت آزاد انسان اقتضا می‌کند که آزادانه بتواند دیدگاه‌های خود را بیان نماید. آزادانه بگوید، بنویسد، نقاشی کند و یا در قالب‌های هنری، اندیشه‌ها و عقاید خود را بیان نماید. آزادی بیان، تنها وسیله‌ای است که افراد در جامعه می‌توانند دیدگاه‌ها و اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و فردی خود را به دیگران منتقل نمایند.

**وضعیت آزادی بیان در بیست سال گذشته**

موجودیت آزادی بیان در یک کشور، یکی از نشانه‌های عمده نظام مبتنی بر اراده مردم محسوب می‌گردد. در جامعه‌ی که مردم از آزادی بیان محروم و از ابراز حقایق هراس داشته و به خودسانسوری پناه برند؛ نمی‌توان انتظار داشت که راه رشد و شکوفایی کشور هموار گردد و دموکراسی بتواند به طرف نهادینه شدن گام بگذارد و مطبوعات دست باز در روشن ساختن نارسایی‌های جامعه داشته باشد. در چنین اوضاع و احوال رسانه‌ها نه تنها رسالت شان را به وجه احسن انجام داده نمی‌توانند بلکه اعتبار و اعتماد شان را در جمع مخاطبان نیز از دست می‌دهند. با آغاز طلوع فصل سیاسی جدید در سال ۲۰۰۲ در افغانستان، آزادی بیان هم آهسته آهسته جوانه زد و امیدواری‌های زیادی در میان آزاداندیشان به میان آمد.

آزادی بیان به عنوان حق اساسی انسان در کنار سایر آزادی‌ها در قوانین افغانستان تبیین گردید و در ماده سی و چهارم قانون اساسی افغانستان نیز مورد توجه قرار گرفت و به رسمیت شناخته شد: «آزادی بیان از تعرض مصوون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارایه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد. احکام مربوط به مطابع، رادیو، تلویزیون، نشر

مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می‌گردد» این کار باعث گردید تا رسانه‌های متعدد چاپی، صوتی و تصویری یکی پی دیگر ظهور و زمینه برای بروز اندیشه‌ها و افکار مساعد شد. شرایط مساعد برای ایجاد کثرت‌گرایی رسانه‌ها به وجود آمد. ایجاد همین فضا باعث گردید تا ده‌ها رسانه چاپی، صوتی و تصویری تاسیس شده؛ فضای رسانه‌ی افغانستان از تنوع و جذابیتی ویژه‌ی برخوردار گردد.

در بیست سال گذشته، سکتور مطبوعات در افغانستان رونق بیشتر گرفت و رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی جایگاه واقعی خود را در جامعه پیدا کردند. آزادی بیان از شاخص‌های عمده جامعه باز و دموکراتیک به شمار می‌رود، که در محراق توجه قرار گرفت. شاخص آزادی مطبوعات جهان در سال (۲۰۱۶) افغانستان را در رده بالاتر از کشورهای همسایه و به عنوان چهارمین کشور برتر میان (۱۳) کشور آسیای جنوبی و آسیای مرکزی قرار داد.

در بیست سال گذشته دیدگاه جهانی نسبت به افغانستان در زمینه آزادی بیان و رسانه‌ها تغییر مثبت داشت. خروج از ساحه سرخ آزادی بیان و شامل شدن در ساحه سبز بر اساس رده‌بندی یونسکو در سال ۲۰۱۷، صعود دوپله‌ای افغانستان در جدول شاخص آزادی مطبوعات و قرارگیری در جایگاه ۱۲۰ در بین ۱۸۰ کشور؛ کسب جایگاه چهارم شاخص‌های رده بندی آزادی مطبوعات در بین ۱۳ کشور آسیای جنوبی و آسیای مرکزی؛ از جمله قضاوت‌های مثبتی بود که نشان دهنده‌ی بهبودی دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان در افغانستان بود.

حق دسترسی به اطلاعات از جمله حقوق شهروندی است که دارای ابعاد گسترده‌ای می‌باشد. از سوی حق دسترسی به اطلاعات را می‌توان یکی از عناصر حیاتی آزادی بیان دانست و از سوی دیگر مردم‌سالاری بدون تضمین حق دسترسی به اطلاعات نمی‌تواند متضمن آینده‌ای روشن باشد. امروزه به دلایل مختلف از جمله مبارزه با فساد، گسترش مشارکت شهروندان، بهبود کیفیت خدمات عمومی و ارتقای سطح زندگی افراد با آگاهی از اطلاعات کاربردی، حق دسترسی به اطلاعات دولتی، اهمیت بسیار یافته است.

قانون اساسی نیز حق دسترسی به اطلاعات را برای شهروندان خود به رسمیت شناخته و بر دسترسی به آگاهی‌های علمی و تلاش دولت در جهت رشد آگاهی‌های علمی تأکید شده است. آگاهی‌های سیاسی و دسترسی به اطلاعات دولتی نیز، در محدوده قانون، حق شهروندان افغانستان شناخته شده است. این قانون در یکی از بندهای ماده پنجاهم خود، چنین می‌نگارد: اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می‌باشند.

بنابراین، حق دسترسی به اطلاعات، هم به تصریح اسناد بین‌المللی حقوق بشر و هم به تصریح قانون اساسی افغانستان، در محدوده احکام قانون، از حقوق مسلم هر شهروند شمرده می‌شود.

در بیست سال گذشته برای اولین بار قانون دسترسی به اطلاعات تدوین و نافذ شد که با انفاذ این قانون فضای بهتری برای دسترسی به اطلاعات مختلف برای شهروندان کشور مساعد گردید و از جانب دیگر قانون مذکور مورد توجه قرار گرفت. عده‌ای پیرامون تطبیق این قانون به دیده شک می‌نگریستند و عده‌ای دیگری آنرا مهم‌ترین قانون در راستای مبارزه با فساد، شفافیت و تقویت فرهنگ پاسخ‌گویی عنوان کرده و بر تطبیق آن همیشه تاکید می‌ورزیدند که در نهایت پس از تعدیل و تصویب قانون دسترسی به اطلاعات در سال 1397 جایگاه "بهترین قانون دنیا" را به خود اختصاص داد. قانون دسترسی به اطلاعات از مهم‌ترین دست‌آوردهای عرصه آزادی بیان محسوب می‌گردد که توانسته زمینه‌ی دسترسی خبرنگاران و شهروندان را به اطلاعات دولتی مساعد سازد و برای رشد و توسعه خبرنگاری تحقیقی موثر واقع گردد.

از سوی دیگر با وجود چالش‌های متعدد که چه از سوی حکومت و چه از سوی گروه‌های مختلف خارج حکومت فرا راه آزادی بیان وجود داشت اما با وجود آن هم آزادی بیان رشد چشم‌گیری داشت و هر شهروند افغان با استفاده از این حق مسلم شان افکار شانرا بیان و در پی انعکاس حقایق موجود فعالیت نمودند. رسانه‌ها با تهیه و نشر گزارش‌های تحقیقی از فسادهای میلیونی، خیانت‌ها، قانون شکنی‌ها و کم‌کاری‌های نهادهای دولتی و مقام‌های حکومتی پرده برداشتند و در امر مبارزه با فساد اداری نقش خوبی ایفا کردند، با استفاده از آزادی بیان زمینه و فرصت مناسب برای تحلیل، تفسیر و تحقیق در عرصه‌های مختلف برای رسانه‌ها مساعد و ده‌ها برنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در رسانه‌های افغانستان، فضای بازتاب افکار و اندیشه‌های اهل نظر و اندیشه را فراهم ساخته بود و دنیای رسانه‌های کشور از رونق خوبی برخوردار شده بود.

### چالش‌های بیست ساله آزادی بیان در افغانستان

در بیست سال گذشته مانند سایر موارد، آزادی بیان هم عاری از فراز و فرود نبود. چالش‌های متعدد به عنوان مانع در مسیر نهادینه شدن آزادی بیان قرار گرفت و نگذاشت تا آزادی بیان نفس راحت بکشد. جنگ‌سالاران، زورگویان، ناقضین حقوق بشر، مافیا، برخی مقام‌های حکومتی، برخی اعضای پارلمان و... همواره در برابر آزادی بیان سنگ‌اندازی نموده اند و نگذاشته اند تا با استفاده از آزادی بیان حقایق انعکاس یابد و مردم در روشنایی وقایع مختلف سیاسی و اجتماعی قرار گیرند، زیرا منافع شخصی و گروهی شان با خطر مواجه می‌شد و همواره در تلاش جلوگیری از نشر حقایق، فساد، قانون شکنی، بی‌عدالتی و زورگویی‌ها

شان بودند و حتا در خیلی موارد با خبرنگاران برخورد زشت نموده و حتا خبرنگاران مورد لت و کوب این گروه‌ها قرار گرفته اند و خبرنگاران در راه آزادی بیان جان شانرا از دست دادند. دولت افغانستان که خود را حامی آزادی بیان می‌دانست نیز در خیلی موارد در برابر آزادی بیان سنگ اندازی می‌نمود و به شکل غیرمستقیم در پی وضع محدودیت در برابر فعالیت‌های رسانه‌ای بود و حمایت از آزادی بیان، رسانه‌ها و خبرنگاران در بعضی موارد شعار میان‌تهی جهت سرگرم ساختن بود؛ چون حکومت به‌ویژه رهبری حکومت تمایل نداشت تا حقایق موجود درون حکومتی به برون درز کند و دسترسی رسانه‌ها و خبرنگاران به اطلاعات درون حکومتی افزایش یابد زیرا با این کار منافع مقام‌های حکومتی به خطر مواجه می‌شد.

جنگ و خشونت سد دیگری در برابر آزادی بیان بود که هر از گاهی زمینه فعالیت رسانه‌ای را تحت شعاع قرار می‌داد و رسانه‌ها در وضعیت نامطلوب کاری قرار می‌گرفت. عدم حمایت کامل از عرصه کاری خبرنگاری، نبود مصوونیت شغلی، خودسانسوری، مصلحت‌گرایی، ابهام در بعضی مواد قانون رسانه‌ها، عدم رسیدگی همه‌جانبه به پرونده‌های خبرنگاران و... از دیگر چالش‌های اساسی فرایند آزادی بیان در افغانستان بود که زمینه نهادینه شدن آزادی بیان و اطلاعات را به چالش کشیده بود.

### نتیجه‌گیری

بست سال راه پر خم و پیچ آزادی بیان در افغانستان؛ زمان کوتاهی است برای رسیدن به یک مرحله درخشش رسانه‌ای و آزادی بیان، در کشوری به شدت جنگ‌زده. اما در افغانستان، به دوران رسیدن آزادی رسانه‌ها، راه طولانی را سریع پیمود. افغانستان از آن وضعیتی به درستی بیرون آمد که در بخش از پیشنهادی تاریخ کشور، حتی تماشای تلویزیون جرم پنداشته می‌شد.

نسل امروزی افغانستان نیز همگام با آزادی بیان و رسانه‌های آزاد قد کشیده است. نسلی که بیش از هر پدیده دیگر بر آزادی بیان و نقش رسانه‌ها در کشور، باورمندی پیدا کردند. و میزان بلندی از خبرنگاران در افغانستان نیز جوانان هستند که با تجربه‌های تازه اما با روحیه‌ای بلندپروازانه در این راه قلم می‌زند.

اعتبار رسانه‌ها و خبرنگاران نیز در میان مردم افغانستان، برجسته‌تر از هر نهاد و افراد دیگری است. آنانی که در بدترین اوضاع از دورترین بخش‌های کشور هم از عمق بحران‌ها به قیمت جان شان اطلاع‌رسانی کردند.

آزادی بیان به عنوان یک ارزش مهم اجتماعی، سیاسی و انسانی؛ اعتبار و ریشه‌های ژرف تاریخی دارد؛ با ظهور عصر جدید، تدریجا به عنوان یک حق مسلم بشری مطرح گردید اما اینک با توجه به شرایط و اوضاع جدید ارتباطات و اطلاعات که جهان را به دهکده‌ای کوچک مبدل ساخته است و اینترنت که دهکده‌ای

جهانی را به منصفی ظهور رسانیده و راه را برای یک آزادی کامل بیان باز کرده؛ آزادی بیان وضعیت مضاعف یافته است.

بنابراین آزادی بیان، اساسی‌ترین و فراگیرترین شکل آزادی است. هرچاکه این آزادی با حقیقت و خطا یا حق و باطل روبرو شود بر روابط انسان‌ها و زندگی مشترک آنها، اثر می‌گذارد. در واقع تاریخ پرشور و پرتلاطم آزادی در فرایند تاریخ نشان می‌دهد که حماسه‌های درخشان و تلاش‌های گسترده برای اثبات و تحقق این حق آزادی انجام پذیرفته است و یکی از دغدغه‌های اساسی بشریت در سراسر تاریخ، در کنار مفهوم آزادی؛ آزادی بیان بوده که حتی در قرن حاضر و عصر پیشرفت در تمامی زمینه‌ها، یکی از مهم‌ترین دغدغه به حساب می‌آید.

آزادی حق طبیعی و همزاد انسان است. پس انسان فطرتاً آزاد است و خداوند<sup>(ع)</sup> او را آزاد و مسوول آفریده و هیچ‌کس نمی‌تواند این ویژه‌گی را از او بزدايد.